



۸ سال علیه فضای مجازی!

روحانی: نمی‌شود ۸ سال مخالف فضای مجازی بود اما دم انتخابات موافق!

حسین زیبنده

پژوهشگر هسته خط‌مشی فضای مجازی مرکز رشد دانشگاه امام صادق (ع)

امروزه فضای مجازی با تحولاتی که در نظام‌های اجتماعی رقم زده، عرض‌های است که جریان‌های مختلف اداره کشور نمی‌توانند نسبت به آن بی‌تفاوت باشند و از خیر فرصت‌های بی‌نظیر آن بهره‌ای نگذرند! البته در این سال‌ها هایش از آنکه مسئولان این پدیده را در خدمت اهداف انقلاب اسلامی قرار دهند، آرزای ما می‌باشد. سیاست‌های خودفریبانه کرده و دوگان‌سازی‌های تقلاب‌آمیز همچون فیلترینگ و پدیده‌های بزرگ‌ترین ارکان از آن منافع بی‌شمار حقیقی فضای مجازی بهره ساخته‌اند؛ به عبارتی مسئولان و متولیان این حوزه به جای مدیریت خردمندانه و مدرانه این فضا به‌منظور استفاده حداکثری از فرصت‌ها و کاهش تهدیدها، مردم و نیاپایشان را در گرداب این گونه دوگان‌های دروغین غرق کرده و بیشتر آن را دستمایه بازی‌های سیاسی و انتخاباتی خود قرار داده‌اند تا تحقق مرام و مصلحت‌های خود را که این نوع مواجعه حقیقتاً نگران و خفجای درخ این پدیده بدترین اثر آن است. پس ما می‌توانیم با هم‌سازمان‌آوردن

براین اساس، مساله اصلی در فضای مجازی کشور فیلترینگ یا عدم فیلترینگ که معمولاً در آستانه انتخابات دستاویزی برای روشنفکرانها می شود، نیست! بلکه مساله اصلی فضای

مجازی کشور مدیریت فعال و خردمندانه فضای مجازی است که فرصت استفاده از ظرفیت های بی نظیر آن را فراهم کرده و تهدیدهایی را که موجب تضییع حقوق و منافع ملی می شود به حداقل می رساند. بنابراین به جای بحث و جدل بر سر سر یک مساله خاص، باید به محور اصلی تحلیل ها را تحقق منافع ملی و صیانت از هویت ملی دانست. لذا مباحثات باید که همچون اصولی سیستماتندار آموزشی گسترده و سیستمی فضای مجازی را به فیلترینگ و امثال آن تقلیل نداده و به جای جفا به حقوق مردم، به دنبال استیفای حداکثری حق کاربران برای بهره برداری از فضای مجازی و واگسینده شدن در برابر آسیب ها و تهدیدهای آن بود. دامان باشد اگرچه فیلترینگ از آن مسائل مهم فضای مجازی بود و هست اما همه فضای مجازی نیست و درحال حاضر بیش از آنکه دستور تخصصی به این پرداخته شود، ستایش بازی های سیاسی آذرباست است! لذا سیستماتندار باید بداند درنه حقوق کاربران بسیار گسترده تر از شفافیت فیلترینگ و امثال آن است؛ مسئولان باید بدانند اگر بنای خدمت به مردم جمهوری اسلامی دارند باید منافع و هویت ملی را به صورت تمام و کمال در نظر بگیرند و شاسخ موقوفات متخالفشان با پیدداری در این حوزه این گونه ارزش های ملی باشند نه طامع و منافع سیاسی! و مردم هم به شناساندن آنها یار که به زیرنای استیفای حقوق قانونی شان را منهدم کرده و ملت را به پای ناچیز سیاسی سر و پا افکار آرای غیرعقلایی حق می دهند.

پایاندم، دهه ۱۳۹۰ را می‌توان نقطه‌عطفی در فناوری و اطلاعات و ارتباطات کشور دانست. این حوزه خواست عبور از نگاه به فضای مجازی از منظر شبکه‌های اطلاع‌رسانی و ارتباطی و اجتماعی مختلف و ورود فضای مجازی به عرصه ارائه خدمات ارجحله و تحولات و تمرکزهای مهم در دولت‌ها با توسعه پایتخرهای جهانی، شبکه‌های شدن نظام‌های رایج همچون اقراض دیجیتال، اقصاء پلتفرمی و رهن‌رها، از شبکه‌های شدن و دانش در ناوآر و دانش بنیان، توسعه شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها، مطرح شدن جدی‌تر و کلان‌راده، بروز چالش‌های متعدد ناظر به حفاظت از داده و جرائم جدیدی همچون دهه است. با وقوع چنین رخدادهایی عملا این دهه به نقطه‌عطفی تبدیل می‌شود که باز زیرساخت‌های سیستم‌ها را نه‌تنها افزاینده، بلکه تقویت می‌نماید و برای این دهه با زیرمجموعه‌ها و دوازه‌ها این فرصت طلایی در فاصله اخیر برای رهن‌رها و توسعه‌ها فراهم می‌گردد. با توجه به عصر فضای مجازی بوده است. با توجه به تعیین‌کنندگی و اهمیت چندین سال به طول بینجامد با عملا غیرممکن شود. حال باید بررسی کرد این دولت کشور تا چه اندازه این فرصت‌ها را غنیمت شمرده و از آن استفاده کرده است؟! اگرچه این جهری به عنوان وزرای دولت با زیرمجموعه‌ها و دهه به چشم می‌خورد، اما در این دوره حکمرانی فضای مجازی کشور از راه‌ها.

آن دارد که وزیر ارتباطات توان و اختیار لازم را برای حمایت و تولیدات جوانان این مرز و بوم داشته است! و این عدم حمایت همراه می‌شود با دست رفتن فرصت‌های اقتصادی و اشتغال برای جوانان! دقیقاً همان هدفی که این وزارتخانه از راه‌های دیگر اختصاصی به دنبال آن بوده است! بنابراین این‌شود به کسب‌وکارها کمک کرد و از وظایف خود نیز غافل نشاد!

هشت‌سال تعیین‌کننده برای رانداندازی واقعی شبکه ملی اطلاعات و توسعه خدمات پایه بومی مبتنی بر این شبکه ملی شش و هنوز که هنوز است دوا بر سر چسبستی مفهومی شبکه ملی اطلاعات است! اگرچه در این سالیان با اسنادی همچون سند تبیین الزامات شبکه ملی اطلاعات و سند طرح کلان و معماری شبکه ملی اطلاعات تکلیف وظایف دستگاه‌ها به‌خصوص وزارت ارتباطات مشخص شده است اما برآوردها حاکی از آن است که در عمل تا رسیدن به شبکه ملی اطلاعات فاصله بسیاری داریم و آنچه در این سالیان توسعه یافته است ظرفیت پنهانی باند بین الملل بوده نه شبکه ملی اطلاعات! علی‌رغم ادعای تکمیل شبکه ملی اطلاعات توسط وزارت ارتباطات، کارگزاران خدمات پایه شبکه همچون حوزه جست و جو و سرچ می‌بوی، رایانامه، شبکه‌های اجتماعی، سیستم‌های بومی... در بروز ناکامی به سر می‌برد!

هشت‌سال انفعال در حوزه دیپلماسی سایبری و عدم حضور تعیین‌کننده و پررنگ در روابط بین الملل برای رقم زدن مواجهه‌ای فعالانه با فضای مجازی نتیجه‌اش سلطه و حاکمیت پلتفرم‌های غربی است که به هیچ‌کس پاسخگو نبوده و به پنهان آزادی بیان و طردفردی از روشنفکری عزت ملی را زیر پا نهاده‌اند! حضور غرضمندانه و تعامل برپنای حکمت و مصلحت در عرصه بین‌الملل زمینه‌ر برای اقتدار جمهوری اسلامی در حکمرانی فضای مجازی می‌ها می‌کند.

تعلیق فناوری فضایی به‌خصوص در چهار سال دولت روحانی، غنیمت نشمرن درون فراگیر بی‌نامدی کرونا برای توسعه زیرساخت‌ها، خدمات و سواد فضای مجازی کشور و مبتلاشدن به پدیده‌های همچون شاد در آموزش مجازی، ناسامانه‌ها بود-جریسری بخش فضای اطلاعات و ارتباطات و نادیده‌گیری بدهدای مهمی همچون شبکه ملی اطلاعات و... از دیگر مواردی است که در این دولت می‌توان به آن اشاره کرد. بنابراین اولین مخاطب سخنان اخیر رئیس‌جمهور خود ایشان هستند که تکیه بر اهیمای سیاسی و انتخاباتی لازم است ایشان و کابینه‌شان پاسخ دهند که: تدویر خودتوان را معلوم کنید، هشت‌ساله (در عمل) مخالف فضای مجازی بودید، الان دم انتخابات موقا؟

سازمان تنظیم مقررات ضریب نفوذ اینترنت ثابت از سال ۱۳۹۲ تاکنون تنها حدود چهار درصد افزایش داشته است، درحالی که در این مدت شاهد افزایش ۹۰ درصدی اینترنت سیار در کشور هستیم.

فوتوسال انتظار و توقیع دیگر فعالیت‌های رسیدن به رویاهای اقتصاد دیجیتال (بخواند تجارت الکترونیک) را تا نکیه بر راه و رسم استارت‌آپی و وعده ایجاد پنج یونیکورن و بورسی کردن استارت‌آپ‌ها ازجمله مسائلی است که در این سالیان به‌خصوص در چهار سال اخیر در ویرین دولت قرار گرفته است. اگرچه ایجاد زیرساخت اقتصاد دیجیتال وظیفه‌ای از برعهده وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات است، اما برنامه‌ریزی برای ایجاد کسب‌وکار و وارد شدن به حیطه تخصصی اقتصاد دیجیتال به نظر فعالیت‌هایی است که بیشترین تبلیغات داشته تا حیطه‌های کارشناسی و تخصصی. چرا که اساسا این فعالیت نیز همچون توسعه محتوا در دایره وظایف وزارت ارتباطات نمی‌گنجد؛ پرداختن هزینه صرف انرژی و رزانه‌ها و برای توسعه استارت‌آپ‌ها و کسب‌وکارهای فضای آژمی آن به‌صورت یونیکورنی و توسعه‌گیری برای توسعه همه کسب‌وکارها و اقدام علیه انحصار شکل گرفته در آن سیستم‌های استارت‌آپی موضوعی است که تخصصا از حیطه وظایف این وزارتخانه خارج بوده و توان آنها را برای رسیدگی به وظایف اصلی خود در زمینه شبکه ملی اطلاعات و توسعه زیرساخت‌های فاوا به تکمیل برده است؛ و این صرف توان و وقت برای ارائه برنامه‌هایی همچون نوآفرین در حوزه مدت به برخی کسب‌وکارها، در بلندمدت کشور را با خسارت جبران‌ناپذیری در عرصه فضای زیست‌محیطی و وظیفه اصلی وزارت فاوا مواجه می‌سازد که بدونی ملزم درحق قضای مجازی کشور است. به‌علاوه، افتادن به ورطه خدماتی شدن اقتصاد آسیبی است که این توسعه به نظام اقتصادی کشور وارد ساخته است؛ حال باید این سوال را پرسید: آیا این نوع توسعه را می‌توان به‌عنوان یک خدمت برای مردم در نظر گرفت؟ آیا این نوع توسعه با مفاهیم مجازی به‌خودی خود ارزش دارد یا اینکه ما از موافقت به‌دنبال تأمین منافع ملی هستیم؟

هشت‌سال عدم حمایت از پلتفرم‌های داخلی مثل پیام‌رسان‌های بومی که خدمات پایه شبکه ملی اطلاعات به حساب می‌آیند دیگر مخالفتی است که توسعه فضای مجازی و اصولی از حریفانده‌ها صورت گرفته است. پیام‌رسان‌های داخلی در حسرت گوشه‌ای از حمایت‌های هشتاد و وزیر ارتباطات و ارتباطات برای خارجی همچون کلاب‌هاوس انجام داده است؛ این حمایت تمام‌قد از پلتفرم‌های خارجی نشان

وظایفی است که در فضای مجازی متوجه حاکمیت نیز است و براین اساس نظام حکمرانی کشور موظف است لوازم و اسباب آن را فراهم آورد. عدم پاسخگویی بپنفرم‌های خارجی در برابر تهدیدهای امنیتی و توریستی احتمالی در کشور، عدم مسئولیت‌پذیری و همکاری آنان برای مقابله با جرم‌پندیده سایبری که امروزه در مسئولیت‌های خارجی می‌دهد، عدم تعهد آنان در قبال داده‌ها و اطلاعات کاربران، بهره‌برداری رایگان اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آنان از کلان داده‌های حاصل از فعالیت کاربران ایرانی در آن پنفرم‌ها تنها گوشه‌ای از تضییع حقوق کاربران است که در این اعیان ظریف با آن نبوده است! نداشتن طرح و برنامه عملیاتی برای صیانت از داده‌های محرک ریسی جمهوری برای تشکیل منظم جلسات شورای عالی فضای مجازی و گذراندن مصوبه درخصوص مسائل روز و عدم اجرای مصوبات شورای عالی فضای مجازی مثل سیاست‌های حمایت از پیام‌رسان‌های داخلی که به دنبال ضابطه‌مند کردن فعالیت پیام‌رسان‌های خارجی در کشور بوده است، گوشه‌ای از اقدامات افرادی است که نمی‌توان آنها را در زمره حامیان فضای مجازی قرار داد. هرچند در انشای انتخابات خود برآنها افکار عمومی موافق فضای مجازی معرفی‌اند!

هشت سال توسعه پهنای باند و شبکه ارتباطی کشور بدون توجه به توسعه محتوا و عدم در نظر گرفتن ملاحظات فرهنگی به پهنانه تقاضا ضرورت بدون پهنای باند فزاینده و به جلوسه است که نافی مسئولیت‌های حاکمیت در قبال کاربران نیست؛ تأسیس رویه متناسب با ارزش‌هایی که دارد در قبال کاربران مسئول است؛ همان‌طور که نسبت به ارائه محتوا و خدمات با کیفیت و پرسرعت تا آستانه رفع نیاز کاربران مکلف است، صیانت از کاربران از لحاظ فرهنگی و اجتماعی نیز روی دیگر سکه و وظایفی است؛ اگرچه وزارت ارتباطات در آن نقشی نداشته باشد. جدای از آن، تمرکز صرف بر توسعه ارتباطات سیار و ضعف قابل ملاحظه و در زیرساخت‌های ارتباطات نیز دیگر مساله‌ای است که متوجه دولت باشد و هم‌اکنون دروازه‌دهم است. گران بودن اینترنت همراه، پاسخگو نبودن اینترنت همراه از نظر کیفیت و سرعت در ارائه خدمات جدید و مبتنی بودن ارائه نسل پنجم اینترنت همراه بر زیرساخت‌های اینترنت ثابت از جمله دلایلی است که توسعه اینترنت را ضروری داشته است؛ این ضرورت آنجا مشخص می‌شود که کاربران برای رفع نیازهای جدید به اخبار متوجه‌ها و سایر رسانه‌ها از اینترنت در کشور دل‌خوش کرده‌اند که آن هم تهدیدهای بسیاری را با خود به همراه دارد. براساس آمارهای

هشت سال تلاش برای صورت‌دهی به فضای مجازی با مساله فیلترینگ فضای بزرگی است که در این سال‌ها با حرق فضای مجازی کشور صورت گرفته است. تلاش متعدد وزاری ارتباطات برای فعالیت بدون ضابطه یا رفع فیلترینگ پلتفرم‌های خارجی به گونه‌ای بوده است که حتی صدای پلتفرم‌داران داخلی را نیز درآورده است! خارج گرفتن پیامدهای سیاسی، تبعیضی بین پلتفرم‌های داخلی، بی‌مهری و بی‌تواضعی و عدم حمایت قابل توجه از پیام‌رسان‌های داخلی مواردی است که نشان‌دهنده ضعف وقت و هزینه بیت‌المال برای توسعه شبکه‌های اجتماعی و سایر پلتفرم‌های خارجی است که بارها حقوق کاربران داخلی را با حذف برخی برنامه‌های ایرانی به رسمیت نشناخته و عزت ملی را در مذاکره برای ضابطه‌مند کردن فعالیت‌شان در کشور लेकर کرده‌اند. بهیچ‌ای این ضابطه‌مند کردن پلتفرم‌ها به معنای فیلترینگ نبوده و همان‌طور که مکرر نیز بیان شده کسی موفق پلتفرم‌ها کردن مردم از امکانات و فناوری‌ها نیست؛ بلکه به همان معنایی است که امروزه اکثر کشورها به آن سمت رفته و چارچوبی برای مواجهه با پلتفرم‌های خارجی طراحی کرده‌اند. حتی همسایگانی همچون ترکیه و روسیه، کشورها به ظاهر طرفدار آزادی همچون اروپا و آمریکا که کشورهایی پیشرفته‌ای همچون چین نیز در آستانه‌شان به لزوم داشتن چارچوب‌هایی برای ممانعت از حاکمیت سایبری خود تاکید کرده‌اند؛ چرا که آنان نیز دانسته‌اند منافع اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشورشان در گروی حاکمیت خودشان بر پدیده مهمی همچون فضای مجازی است و نلنگاری و بی‌ضابطه بودن آن با روتوش مفاهیم رایج‌یافته‌ای همچون آزادی بیان! بنابراین تقلیل ظرفیت‌های تسهیل‌پیشرف در فضای مجازی به دوگانه کاذب و رفتاری همچون فیلترینگ یا عدم‌سنجی مخالفتی هشت‌ساله و هوس‌زور و فضا سازی است که چهره‌ای در آستانه‌های حاکمیت ملی سایبری را با شدت و ضعف لازم کرده‌اند و ما شده‌ایم که اسنادی داغتر از آتش که می‌سوزد را به‌بار می‌تابانیم در ماجرای کلاب‌هاوس و حمایت نامقد وزیر از آن با گوشت و پوست‌مان چاره‌پسندیم.

هشت سال حمایت برای توسعه پلتفرم‌های خارجی بدون مهیا کردن زیرساخت‌های قانونی برای فعالیت آنان مخالفتی با فضای مجازی است که متأسفانه افراد کمتر به آن توجه می‌کنند. صیانت از حقوق کاربران از جمله